

PRIMA PARTE 100 CANTUS

که بر اساس و مبنای شنیدایی و دل‌باختگی^{۱۳} پدید آمده است و فرمی مشخص و معلوم ندارد. در چهار (و یا غالباً بیشتر) آوا با سبکی تقلیدی^{۱۴} (همانند سبک موتت^{۱۵} قطعه آوازی چندآوایی بر اساس یکی از فصول انجیل) ساخته و تصنیف می‌شود. اما غالباً با پاساژها یا قطعاتی هوموفونیک^{۱۶} (آهنگی شامل یک صدای اصلی که با صدایی دیگر آن را همراهی کند) میان پراکنش^{۱۷} می‌کند.

تبار بلا فصل مادریگال قرن ۱۶ فروتولا^{۱۸} سبکی از شعر و موسیقی ایتالیای شمالی که در ۱۵۰۰ درخشیدن گرفت و موسیقی آن در سه و یا چهار آوا تصنیف می‌شد که بیشتر هوموفونیک بود و با کوردهای^{۱۹} (آمیزه‌ای از سه یا چند آهنگ) فراوان. مارکو کارا^{۲۰} بارتولومئو ترومبونچینو^{۲۱} مصنف این گونه مادریگال بودند.

آهنگسازان اولیه این نوع مادریگال استادانی فنلاندی در ایتالیا بودند که فیلیپ وردولو^{۲۲} (۱۵۰۰-۱۵۶۵) و جاکوب آرکادولت^{۲۳} (۱۵۰۵-۱۵۵۷) و کوستانزو فستا^{۲۴} (ایتالیایی) (۱۴۹۰-۱۵۴۵) از آن جمله‌اند.

در میان دوران بزرگ مادریگال کلاسیک باید از آهنگسازان فنلاندی چون آدریان ویلارت^{۲۵} (۱۴۹۰-۱۵۴۲) روز^{۲۶}، لاسو^{۲۷} و دمونتته^{۲۸} و از آهنگسازان ایتالیایی آندریا گابریلی^{۲۹}، پالسترینا^{۳۰} و آهنگسازان اخیر ایتالیایی از کارلو گسوالدو^{۳۱}، مارتسیو^{۳۲} مونته وردی^{۳۳} نام برد.

در خارج از ایتالیا، مادریگال اساساً در انگلستان درخشش یافت که آهنگسازان آن ویلیام بیرد^{۳۴}، مورلی^{۳۵} و ویل کس^{۳۶} و ویلیبی^{۳۷} بودند که از ۱۵۸۰ تا ۱۶۲۰ فعالیت داشتند.

تألیف کریستین امر^{۳۸} در قرن ۱۴ ایتالیا سبک و شیوه‌ای از

نامی فراگرد و ریشه‌دار برای دو نوع اولیه موسیقی آوازی^{۳۹} مهم که یکی در قرن ۱۴ و دیگری در قرن ۱۶ پدید آمد و رستنگاهی ایتالیایی دارند.

مادریگال قرن ۱۴ فرمی استوار دارد که دوویا استاتزا^{۴۰} (بند قطعه) کوتاه با یک موسیقی همگون و یک فینال را در بر می‌گیرد: A.A.B و یا A.A.B

این کمپوزیسیون معمولاً در دو (و گاه) سه بخش عرضه می‌گردد که بخش فرازین^{۴۱} آن با سبک و شیوه‌ای پُرترزین و مصنوع^{۴۲} و بخش فروتر^{۴۳} درمندی بزرگ‌تر تقویم می‌شوند.

در میان آهنگسازان چنین فرمی از موسیقی باید از جاکامو بولونا^{۴۴}، جیوانی داسیا^{۴۵} و فرانسیسکو لادینی^{۴۶} (آهنگسازان ایتالیایی قرن ۱۴) نام برد.

اصطلاح مادریگال معمولاً به سبک قرن ۱۶ برگشت می‌کند

مادریگال

ترجمه: همايون نورا حمر
از فرهنگ هروارد
تألف: ویلی آنل
و رالف دنیل

مادریگال، از فرهنگ Harpo

شعر بود که معمولاً با دو بخش آوازی همراه با موسیقی آراسته می‌شد: بخش فرازین و بخش فروتر، که بخش فرازین بیشتر از بخش فروتر استادانه زینت می‌گرفت.

شعر مادریگالی از یک تا چهار استانزا (stanza: قطعه یا بند) سه خطی تشکیل می‌شد که هر یک از دو خط انتهایی نام (ریترنلو^{۳۶}) را به خود می‌گرفت.

در مادریگال نمادین، موسیقی برای هر یک از بندها تکرار می‌شد که معمولاً ریتم‌هایی مختلف داشت.

آهنگسازان اصلی این نوع مادریگال‌ها عبارت بودند از: جیووانی کاسیا^{۳۷} و جاکوب بولونا^{۳۸}.

در قرن ۱۶ مادریگال فرمی مهم در ایتالیا و انگلستان به شمار می‌آمد که متن مادریگال قرن ۱۶ در فرمی آزاد و غالباً با شعری بسیار زیبا ارائه می‌گشت و موسیقی آن قصد داشت بر زیبایی و معنای کلمات هر دو بیفزاید و در سرتاسر مادریگال با کلمات تغییر پیدا کند و برای هر بند تکرار گردد.

در مادریگال امکان دارد تعداد بخش آوازی از سه تا شش و یا بیشتر تشکیل گردد که تمامی آن‌ها اهمیتی مساوی خواهند داشت.

بخش‌های آوازی^{۳۹} در کوردها^{۴۰} با هم و یا به دنبال یکدیگر در کنترپوان^{۴۱} به حرکت درآیند.

گاه کنترپوان تقلیدی^{۴۲} است که با بخش‌های متفاوت، ملودی را به نوبت جذب کند. اگر همراهی سازها در کار گرفته شود، مادریگال صرفاً و کاملاً بخش آوازی را دو برابر می‌کند.

در واقع، بخش‌های آوازی در مادریگال‌های قرن ۱۶ همان قدر اهمیت دارد که مکتب فنلاندی در بسط و گسترش آن سهمیم بوده است. به‌راستی، آهنگسازان اولیه مادریگال‌ها استادان فنلاندی بودند که در ایتالیا فعالیت داشتند و از متون ایتالیایی سود می‌جستند.

در میان این آهنگسازان باید از فیلیپ وردلو^{۴۳}، جاکوب آرکادل^{۴۴} و آدریان ویلاتو^{۴۵} نام برد.

شاگرد ویلاتو، سیپریانو دوروز^{۴۶} در مادریگال‌های با دقت در حالت موسیقی (اگرچه لزوماً به موضوع و یا عمل ارتباطی نداشت) متن و در کار گرفتن فزاینده کوروماتیسم^{۴۷} (نت‌های غیرعادی و نلهنجار در هر کلید یا به معنای رنگ در ایتالیا، در

کارگیری نت‌های فزاینده و فروتر) شناخته می‌شد.

این دو خصیصه هنوز در نیمه دوم قرن ۱۶ وجود داشت، درحالی‌که تمام مادریگال‌ها در کنترپوان تقلیدی در کار گرفته می‌شد، اگرچه این خصیصه‌ها کمتر در مادریگال‌های زیبای اورلاندو دی لاسو^{۴۸} قابل درک بودند، در مادریگال‌های فیلیپ دومونته^{۴۹} حضور داشتند و حتی بیشتر در آثار آندریا گابریلی^{۵۰} قابل لمس بودند.

آهنگسازان ایتالیایی مادریگال‌نویسی که در ربع آخر قرن ۱۶ کار می‌کردند، چون لوکا مارنتسیو،^{۵۱} کارلو گسوالدو^{۵۲} و کلودیو مونته‌وردی^{۵۳} که به بیان دراماتیک توجه داشتند و غالباً از کلام نقاشی یا تصویر^{۵۴} یاد می‌کردند بدین معنا که موسیقی را نشانه و تجسمی از هدفی ویژه، تفکر و یا احساس می‌پنداشتند.

تمهید دیگری که اینان در کار می‌گرفتند، موسیقی با قراردادهای «دیداری»^{۵۵} بود. به مفهومی دیگر معنای کلمات را در نظر می‌گرفتند. نت‌های سیاه را برای بیان افکار تیره و تار و نت‌های سپید را برای بیان روشنایی و نور به کار می‌بردند.

اگرچه مادریگال‌ها در اصل فقط با یک خواننده برای هر بخش آوازی به اجرا درمی‌آمد، بعد برای چند خواننده در هر بخش تصنیف می‌شد و تقریباً از ۲۰۰ مادریگال غالباً به گونه کورال با خوانندگان متعدد برای هر بخش منظور می‌گشت.

خط و توسعه دیگری در این زمان مادریگال کم‌دی، یا یک رشته تشکل از دوازده و یا بیشتر در پرده‌ها و صحنه‌ها پدید آمد.

با مونته‌وردی، که زندگی و آثار او رنسانس و باروک را به هم پیوند می‌داد، مادریگال دستخوش تغییرات بیشتر می‌شد و تقریباً گام به گام در هشت کتاب از ۱۵۸۷ تا ۱۶۱۹ به چاپ رسید. مادریگال‌های او در سه کتاب نخستین پولی فونیک‌اند و در کتاب سوم استفاده او با سبکی مشابه رسی‌تاتیف^{۵۶} (گفت‌وگو با آواز) و آوازی سخنرانی‌گونه در ابرای باروک اولیه اهمیت شایان توجهی یافت. کتاب چهارم ادامه این روند است که بیشتر به آثار کورال روی می‌آورد (بخش‌های آوازی با هم در کوردها ژرف‌یابی می‌شوند تا خطوط جداگانه کنترپوان پیش روند). در کتاب پنجم هر قطعه با یک باس کونتینیو^{۵۷} همراهی می‌شود که خصیصه و سیمای باروک را به خود می‌گیرد. کتاب ششم که نمونه سبک رنسانس را محفوظ می‌دارد، به‌وضوح به سبک باروک تعلق می‌گیرد.

به‌ندرت کروماتیسیم را مورد استفاده قرار می‌دادند. اگرچه مادریگال به سایر کشورها نیز چون آلمان و اسپانیا راه یافت، اما در این سرزمین‌ها اهمیتی پیدا نکردند. در قرن بیستم، پسل هیندمیت^{۶۷} که علاقه زیادی به فرم‌های قدیمی داشت، چند مادریگال بر اساس متون جوزف واینهبر^{۶۸} نوشت.

مادریگال از کتاب پیشگفتار موسیقی

تألیف: هیو. ام. میلر^{۶۹}

موسیقی پولی فونیک برای چهار یا پنج آوا با متونی غیرمذهبی در زبان بومی^{۷۰} که در ایتالیا و انگلستان بسط و گسترش یافت. این کمپوزیسیون‌ها ساختاری در راستای خود فاقد معیاربخشی به شمار آمده‌اند. اما متونی کنترپوانی دارند که در آن‌ها تقلید به عنوان یک قاعده در کار گرفته می‌شود.

تعدادی از فرم‌های موزیکال بر اساس متن پولی فونیک (یا کنتر پوان) استوارند. همانند فوگ، کانون، تومت، کورال، پرلود و مادریگال.

مادریگال از فرهنگ آوری سن^{۷۱}

تألیف: جک وست راپ^{۷۲}

مادریگال کمپوزیسیونی برای چند صدا یا آواز بود که در قرن ۱۶ تصنیف شد و تا اوایل قرن ۱۷ ادامه پیدا کرد. در میان فروزه و منش‌های ویژه آن سبک غنی پولی فونیک با اشعار بسیار ارزشمندی جای داشت که از متونی غیرمذهبی^{۷۳} برخوردار بودند، مگر آنکه خطوط آن به گونه‌های دیگر تخصیص داده می‌شد چون مادریگال روحانی^{۷۴} که آن تمایلی به نگاه داشتن یک ملودی مشخص و متمایز در بخش فرازگاه خود داشت. در واقع این نوع موسیقی غالباً با یک صدا همراه می‌شد. بدین معنا که بخش‌های فروتر با سازها به اجرا درمی‌آمد و گاه تماماً به موسیقی اختصاص می‌یافت.

این مادریگال توسط آهنگسازان فنلاندی، ایتالیایی و انگلیسی توسعه و گسترش پیدا کرد و در قرن ۱۴ کلام مادریگال برای فرم شعر و موسیقی در کار گرفته شد.

مادریگال از فرهنگ موسیقی

تألیف: آرتو جاکوبز^{۷۵}

در قرن ۱۶ و ۱۷ نوعی کمپوزیسیون کنترپوانتیک برای چند صدا که در ایتالیا و فنلاند و پس‌آن‌گاه در انگلستان درخشش یافت.

مادریگال‌ها غالباً در بافت و ساختار آوازی، خودکفا بودند. اما مادریگال مونته‌وردی با همراهی مستقل سازها، کمپوزیسیونی دیگرگونه به شمار آمد.

اصطلاح مادریگال معنای آزادتر و گونه‌گون دیگری پیدا کرد: از جمله مادریگال‌ها در اپرت‌ها از سولیوان^{۷۶} آهنگساز انگلیسی و گرم^{۷۷} قابل توجه‌اند.

امروزه مادریگال آوازی است برای یک، دو و یا سه صدا با کونتینیو که در این وانمود جدید مهم‌ترین فرم وکال از باروک، یعنی کانتات^{۶۱} یک اثر کورال بسط‌یافته باد یا بدون آوازی‌های تک‌خوانی و معمولاً با همراهی ارکستر) به شور آمده است. درحالی‌که مادریگال ایتالیایی به طور افراط تغییر می‌کرد، مادریگال کنترپوانی بدون همراهی، هنوز در انگلستان ساخته می‌شد.

مادریگال‌های ایتالیایی در چند دهه در انگلستان حضور پیدا کرد و در ۱۵۸۰ مرسوم گشت و متون آن‌ها به انگلیسی ترجمه شد و موسیقی جدیدی در این زمینه فراهم آمد. در ۱۵۸۸ مجموعه بزرگی از مادریگال‌های ایتالیایی به انگلیسی ترجمه شد و به چاپ رسید. طی چهل سال بعد نشریات و کتب متعددی از مادریگال‌های

Piano Conductor

MOON MADRIGAL.
DANCE.

CHABLES WILLEBY.

Andante moderato. 1.

Piano

Directs
Sof. Trombs.

Fl.
Fg.

Viol. I
Viol. II

Allargato.
Very lightly and gracefully.

Clarinet
Bassoon

Trp.
Tuba

Cello
Bass

Drum

International Copyright

U.S. The Parts are fully cited for the smallest Orchestra.
Copyright, 1914, by The John Church Company.

انگلیسی از جمله آثار زیبایی از تامس مورلی^{۶۲} (تنها آهنگسازی که نام مادریگال را برای آوازه‌ایش برگزید).

تامس ویلکس^{۶۳} جان ویلیسی^{۶۴} و اورلاندو گیبونز^{۶۵} از جمله این گونه مادریگال‌ها بودند.

مادریگال‌های انگلیسی تا اندازه‌ای با مادریگال‌های ایتالیایی تفاوت داشت، آهنگسازان آن سبک کنترپوانی تقلیدی را محفوظ داشتند و غالباً کلام تصویری^{۶۶} را در کار می‌گرفتند. اما

صحنه پردازی‌ها، لباس‌ها و غیره به معرض تماشا گذاشته می‌شد و شبی در پیش‌گفتار آن موکداً بیان می‌کند که «این نمایش به نیروی تخیل‌زایی از راه گوش نه از طریق چشم توسل می‌جوید.» فرهنگ‌ها را وارد می‌نویسد:

مادریگال کمدی کمپوزیسیونی است که در اواخر قرن ۱۶ تصنیف شد و در آن سبک مادریگال مراعات می‌شود، اما بر اساس اشعار لیریک عاشقانه نیست، بلکه بر مبنای متنی است که عمل و یا یک نمایشنامه کوتاه را نقل می‌کند. مهم‌ترین مادریگال‌های «وشی» عبارت‌بودند از: «جنگل شادکامی‌های چندگانه»، «جشن موزیکال» و «شب‌زنده‌داری‌های سینا».

پی‌نوشت:

1. Madrigal
2. Harvard
3. Willi Apel
4. R. Daniel
5. Vocal M
6. stanza
7. Upper
8. Florid style
9. Lower
10. Jacomo Bologna
11. Giovanni dacascia
12. F. Ladini
13. Love Lyric
14. Imitative style
15. Motet style
16. Homophonic
17. Intesperse
18. Frottola
19. chord
20. Marco cara
21. B. Tromboncio
22. P. Verdolot
23. J. Arcadolt
24. C. Festa
25. A. Willaert
26. Rose
27. Lasso
28. Demonte
29. A. Gabriell
30. Palestrina
31. C. Gesualdo
32. Maronzio
33. Monteverdi
34. W. Byrd
35. Morley
36. weel kes
37. wilbye
38. Christine Ammer
39. ritornello
40. G. Cascia
41. J. Bologna
42. Voice parts
43. chordal style
44. Contrapunta
45. Imitative
46. P. Verdelo
47. J. Arcadelt
48. A. Willaert

49. Cipriano de Rose
50. chromaticism
51. orlando dilasso
52. Philippa de monte)
53. Andrea Gabrieli
54. Luca Marenzio
55. Carlo Gesualdo
56. Claudio Monteverdi
57. word painting
58. eye music
59. recitative
60. Basse continuo
61. Cantata
62. T. Morley
63. T. weelkes
64. J. wilbye
65. O. Gibbons
66. word Painting
67. P. Hindemith
68. J. Weinheber
69. Hugh. m. miller
70. Vernacular
71. Every man
72. J. Westrup
73. secular
74. spiritual
75. A. Jacobs
76. sullivan
77. Germen
78. Hugh M. Miller
79. secular
80. diatonic
81. fa- la- la
82. Balletto
83. villanella
84. W. Byrd
85. T. Morley
86. T. weelkes
87. J. ward
88. J. Bennet
89. T. Bateson
90. O. Gibbons
91. J. Farmer
92. Quasi-dramatic
93. L'Amfiparnasso
94. Vacchi
95. L'Amfiparnasso
96. O. vecchi
97. Operatic

تألیف: هیو میلتنون میلر^{۷۸}

مادریگال انگلیسی تحت تأثیر نحو و گسترش مادریگال‌های غیرمذهبی^{۷۹} ایتالیایی قرار گرفته بود. با این همه به موازات خطوط انفرادی ویژه، گسترش یافت و کیفیت محرز برخورد مالیخولیایی، اندوه‌خواری و دلشادی را در خود داشت. در واقع مادریگال انگلیسی این سازه‌ها را خصیصه خود می‌دانسته است:

۱. برتری شعر انگلیسی بدون دخالت ارزش هنری آن.
۲. قصد در ارائه صداهای تک‌نفره در یک گروه کوچک.
۳. برگزیده‌های چهار تا شش بخش آوازی.
۴. در کل، مادریگال‌های انگلیسی بیشتر کورال و ریتیمیک‌تر از مادریگال‌های ایتالیایی‌اند.
۵. از لحاظ خصیصه دیاتونیک^{۸۰} جدا پرده‌ها در مقایسه با کروماتیسیم ایتالیایی.
۶. در کارگرفتن فال‌لا^{۸۱} کاملاً رایج و عمومیت دارد. سیلاب‌های بی‌معنایی چون فال‌لا در کر متناوب یا برگردان (که احتمالاً کاری از باله تو^{۸۲})، فرمی از شعر و موسیقی ایتالیایی در قرن ۱۴ یا ویلانلا^{۸۳}، (آواز روستایی ایتالیایی) به عاریت گرفته شده است.

۷. تغییراتی در Meter، وزن، ترتیب، تعداد و تدها در هر سطر شعر

آهنگسازان انگلیسی مادریگال عبارت‌اند از: ویلیام بیرد^{۸۴}. تامس مورلی^{۸۵}، جان ویلبی^{۸۶}، تالس ویلکس^{۸۷}، جان وارد^{۸۸}، جان بنت^{۸۹}، تالس بیتسن^{۹۰}، اولاند گیبوتز^{۹۱}، جان فارمر^{۹۲}.

مادریگال کمدی

به پیشگام و طلایه‌دار اپرای قرن ۱۷ مادریگال کمدی اطلاق می‌شود. این مادریگال‌ها فرم‌های کوازی دراماتیک^{۹۳} کم و بیش نمایشی را دربرمی‌گیرند که سلسله‌ای از مادریگال به گونه دیالوگ یا گفت‌وگوی تمرکز یافته به تم‌های شبانی است. نمونه بارز آن را مادریگال کمدی^{۹۴} اثر وشی^{۹۵} (آهنگساز ایتالیایی) می‌دانند.

یک رشته از مادریگال‌ها شامل دوازده یا بیشتر که در پرده‌ها و صحنه‌ها طرحی آزاد گروه‌بندی می‌شوند.

مادریگال کمدی همانند پیشگام و طلایه‌دار اپراها از اهمیت شایانی برخوردارند که مشهورترین نمونه آن‌ها L' Amfipar- nasso اثر اوراتسیو وشی^{۹۶} است که در ۱۵۹۷ به چاپ رسیده است.

مادریگال کمدی در اواخر قرن ۱۶، کمپوزیسیونی است که با عمل و کنشی دراماتیک و یا یک نمایش کوتاه به اجرا درمی‌آید.

مهم‌ترین نوع مادریگال کمدی (که در ایتالیا لزومی نداشت کمدی باشد) برعکس عقیده رایج، نمایش آن اپراتیک^{۹۷} نبود. اما